

گزارش

مبارزه پاکستان با سیل، طالبان و بیماری و ناآرامی‌ها

به گفته رئیس‌جمهور پاکستان، این کشور برای بازسازی پس از سیل نیاز به چندین سال تلاش و پول هنگفت دارد. در همین حال مشارکت نیروهای امنیتی پاکستان در کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان باعث بروز نگرانی‌های شدید امنیتی شده است. اصف‌علی زرداری رئیس‌جمهور پاکستان روز سه‌شنبه (۲۴ آگوست، دوم شهریور) در اظهاراتی تاکید کرد: پس از سیل ویرانگری که کشور شاهد آن بود، اکنون پاکستان برای بازسازی نیاز به سال‌ها زمان و پول زیاد دارد.

قرار است پاکستان مذاکراتی را با صندوق بین‌المللی پول برای دریافت کمک ویژه صورت دهد، زیرا به گفته مسوولان پاکستانی تاثیر اقتصادی منفی سیل بر کشور بسیار بزرگ و ادامه‌دار است. سیف‌الله دهرجو از مسوولان ایالت سند روز سه‌شنبه گفت: اکنون که یک ماه از جاری شدن سیل می‌گذرد، سطح آب در منطقه جنوب بالا رفته و زندگی نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر در خطر جدی قرار دارد. دهرجو در ادامه سخنان خود تاکید کرد: دولت به جای اینکه بخواهد پل‌ها را ابتدا بازسازی کند، باید متوجه باشد که نزدیک به ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر در مناطق پست زندگی می‌کنند که جان آنها در خطر است و ما در تلاش هستیم تا آنها را به ترک محل زندگی خود راضی کنیم.

شکایت خسارت‌دیدگان از کندی

کمک‌رسانی دولت

این در حالی است که قربانیان سیل از کندی کمک‌رسانی دولت شکایت دارند. هم‌اکنون در نوشهیرا واقع در شمال غربی اسلام‌آباد که یکی از مناطق اصلی آسیب‌دیده از سیل است، اردوگاهی برای سه هزار و ۳۰۰ نفر تشکیل شده که ساکنان آن می‌گویند مسوولان اردوگاه از توزیع مواد اولیه و کمک‌ها خودداری می‌کنند. سیل‌زدگان شکایت دارند که مسوولان توزیع کمک‌ها، بیشتر اجناس را برای خود آنها می‌کنند و در عین حال دزدان هم مشغول غارت منازل هستند.

پاکستان اکنون با شرایط بسیار دشواری روبه‌رو است، به طوری که باید با چالش‌های زیادی برای جذب کمک لازم در زمینه بازسازی و امدادسانی مقابله کند و در عین حال مراقب باشد گروه‌های تندرو از آشوب حاکم بر کشور سوءاستفاده نکرده و به عضوگیری مبادرت نورزند. در عین حال دولت این کشور باید راه‌هایی برای کاهش فشار اقتصادی ناشی از سیل بیابد.

یوسف‌رضا گیلانی نخست‌وزیر پاکستان به زنگلال جیمز ماتیس فرمانده جدید نیروهای آمریکایی در خاورمیانه که بر سر روند جنگ در عراق و افغانستان نظارت دارد، خبر داده در صورت عدم کمک‌رسانی بین‌المللی به پاکستان، نمی‌توان افکار عمومی را آرام



نگه داشت. صندوق بین‌المللی پول نیز به نوبه خود اعلام کرده پاکستان قبل از سیل وضعیت اقتصادی نامناسبی داشت و اکنون مشخص شده که سیل این اقتصاد را در آستانه نابودی قرار داده است.

در حالی که اقتصاد پاکستان بیشتر بر پایه کشاورزی استوار است، سازمان ملل اعلام کرده نزدیک به ۱۴ درصد از زمین‌های کشاورزی پاکستان در سیل از بین رفته‌اند و ۷۱ درصد از محصول برنج در بخش شمالی کشور نابود شده است.

قدرت‌گیری طالبان، نخستین پیامد منفی سیل
رئیس‌جمهور پاکستان از نگرانی فراینده دولت از احتمال سوءاستفاده تندروها از آشوب و شرایط ویژه پاکستان خبر داده است. وی در یادداشتی در روزنامه بریتانیایی «پندپندنت» که روز سه‌شنبه منتشر شد، نوشته است: این گونه گروه‌ها معمولاً از بحران‌های انسانی و اجتماعی برای قدرت گرفتن استفاده می‌کنند و پاکستان با این چالش بزرگ مواجه شده است.

دولت پاکستان چند هلی کوپتر را که در شمال این کشور مشغول نبرد با جریان طالبان بودند برای کمک‌رسانی به مناطق سیل‌زده منتقل کرده است. در عین حال نزدیک به ۶۰ هزار سرباز از مجموع ۵۵۰ هزار سرباز ارتش پاکستان نیز وارد روند کمک‌رسانی شده‌اند. کم شدن از نیروهای نظامی پاکستان این احتمال را تقویت می‌کند که جریان طالبان در مرزهای این کشور با افغانستان فرصتی داشته باشد تا قدرت خود را بازپایند. مسوولان نظامی پاکستان می‌گویند از ۱۴۰ هزار سربازی که در مرز با افغانستان مشغول نبرد با طالبان هستند، کم نخواهند کرد. محمودشاه رئیس سابق سازمان امنیت پاکستان پیش‌بینی کرد ارتش وارد مرحله‌ای طولانی از امدادسانی شود. وی افزود: به این ترتیب طالبان فرصت خواهد یافت خود را بار دیگر مجهز و آماده کند و این موضوع واقعاً ترسناک است. از جمله نخستین پیامدهای قدرت‌گیری مجدد طالبان پس از یک دوره آرامش نسبی، سه حمله تروریستی این گروه در شمال غرب پاکستان در روز دوشنبه است که باعث کشته شدن ۳۲ نفر شد. این سنگین‌ترین عملیات طالبان از اکتبر گذشته تاکنون بوده است.

از سوی دیگر شیوع بیماری‌های فراگیر از دیگر معضلات پاکستان است. بر اساس آمار منتشرشده از طرف سازمان ملل ۶۶۰ هزار نفر تاکنون به اسهال و بیماری‌های پوستی و تنفسی مبتلا شده‌اند و پاکستان در آستانه شیوع بیماری‌های مرگباری مثل وبا قرار دارد.

انتخابات پارلمانی استرالیا در شرایطی برگزار شد که

از قبل نیز رقابت نزدیک و تنگاتنگ بین حزب کارگر و ائتلاف به رهبری حزب لیبرال – ملی‌گرا پیش‌بینی می‌شد. با توجه به شمارش اولیه نتایج رای‌گیری هیچ کدام از دو حزب اصلی نتوانسته‌اند اکثریت پارلمانی را کسب کنند و برای تشکیل یک دولت باثبات به جلب آرای حزب سبز و چهار نماینده مستقل احتیاج پیدا کرده‌اند. «جولیا گیلارد» رهبر حزب کارگر که حدود دو ماه پیش در رقابت‌های درون‌حزبی توانست با پشت سر گذاشتن «کوبین راد» رهبر حزب و نخست‌وزیر کشور جای وی را در هر دو پست تصاحب کند، بلافاصله اعلام کرد با نمایندگان مستقل برای کسب رای آنان وارد گفت‌وگو شده است. از طرف دیگر «تونی ابوت» رهبر حزب لیبرال – ملی‌گرایز کاملاً محتمل است که رایزنی و مذاکره با نمایندگان مستقل را برای تشکیل دولت ائتلافی شروع کند. هر کدام از احزاب که موفق به کسب ۷۶ کرسی پارلمانی شوند، می‌توانند دولت آینده استرالیا را شکل دهند. از آنجا که حزب لیبرال از قبل با احزاب کوچک و گرایشات همسو با خود در یک ائتلاف مقدماتی مشارکت داشته و در مقابل حزب کارگر از رانت قدرت هم‌اکنون بهره می‌گیرد، سیاست‌ها و عملکرد دوره قبلی آنان نسبتاً مثبت بوده است و حزب سبزا با چند کرسی پارلمانی خود نزدیکی بیشتری را حزب کارگر دارد و شانس آنان برای تشکیل دولت به مراتب از رقیب‌فزون‌تر خواهد بود. بزرگ‌ترین ضربه به سبب آرای حزب کارگر بیش از آنچه به عدم کارایی و افول این حزب در رقابت با حزب اپوزسیون مربوط باشد ناشی از تغییر و تحولات درونی این حزب در ماه‌های قبل از انتخابات پارلمانی بوده است. شکست کوبین راد از معاون خود جولیا گیلارد در آستانه انتخابات پارلمانی که به بر کناری نخست‌وزیر تقریباً موفق استرالیا انجامید، تا حدود زیادی در سقوط آرای این حزب تاثیر داشته است. هر چند گمانه‌زنی‌ها و منطق سیاسی شانس حزب کارگر را برای تشکیل دولت ائتلافی پررنگ‌تر از رقیب می‌داند اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده است احزاب کوچک و نمایندگان مستقل در چنین شرایطی که موقعیت تعیین‌کنندگی پیدا

می‌کنند، فارغ از گرایش و در ک سنتی خود، بیشتر به سمت یک معامله سوداگرانه و کسب بالاترین امتیازات چشم خواهند داشت. این وضعیت منحصر به‌فرد که در استرالیا بعد از ۷۰ سال رقم خورده است، دقیقاً مشابه وضعیت انتخابات پارلمانی بریتانیا خواهد بود که برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه موجب شد حزب متعادل به‌چپ لیبرال‌دموکرات‌با دوری از برادر بزرگ‌تر با جناح محافظه‌کار به رهبری «دیوید کامرون» نخست‌وزیر فعلی این کشور وارد یک ائتلاف مصالحتی شود. در روزهای آتی و مذاکرات پیش رو هر کدام از احزاب بزرگ که انعطاف‌پذیری بیشتری به خرج داده و سهم فزون‌تری به مستقل‌ها ارائه دهد از موقعیت بهتری در جذب آنان برخوردار خواهد بود. در اینجا جدا از انعطاف‌پذیری و ارائه امتیازات بیشتر از سوی هر کدام از احزاب کارگري و لیبرال به نمایندگان سبز و مستقل، بدون شک نقش فن مذاکره و واسطه‌گری شخصیت‌های تاثیرگذار

□

استرالیا در مسیر پارلمان ملق و دولت ائتلافی است راه حل انگلیسی برای جزیره ثبات

اردشیر زارعی‌قنواتی



در هر کدام از جناح‌های رقیب در مذاکره با مستقل‌ها بسیار پررنگ بوده و مشخصاً دخالت مستقیم کوبین راد در مذاکرات آتی می‌تواند تعیین‌کننده به حساب آید.

استرالیا به‌عنوان کشوری که تا به امروز فارغ از بحران‌های بین‌المللی و منازعات داغ منطقه‌ای در وضعیت یک ثبات پایدار قرار داشته است برای اولین بار باید در شرایط نوبین بین‌المللی با مشکل وجود یک دولت شکننده دست و پنجه نرم کند. وجود یک دموکراسی از نوع انگلوکساسکونی در بطن این جامعه تا حدود زیادی موقعیت جنبشی تحولات سیاسی و رقابت‌های حزبی را کاهش داده است. چنین خصوصیتی موجب می‌شود احزاب کوچک و نمایندگان مستقل بیش از آنچه نگرانی تمایل توده رای‌دهنده به خود را داشته باشند، در ثبات سیاسی – اجتماعی موجود مصلحت قدرت و امتیازات خاص آن را

□

دموکراسی آفریقایی در سایه خشونت‌های قومی

ترجمه: جاوید ثمودی

تعلیق یا منحل کردن مجلس ملی برخوردار نخواهد بود و اعضای آن برای پنج سال کامل انتخاب خواهند شد. کمیسیون انتخابات نیز کاملاً مستقل و خارج از کنترل رئیس‌جمهور خواهد بود. مورد دوم اینکه قانون اساسی جدید تا حد زیادی اختیارات پارلمان را در برابر رئیس‌جمهور افزایش خواهد داد. طبق قانون اساسی جدید، مجلس ملی می‌تواند وزرای کابینه و مقامات ارشد دولتی را برای ادای توضیحات به مجلس فراخواند و نظارت آن بر قوه مجریه افزایش پیدا خواهد کرد. از سوی دیگر پارلمان از این به بعد می‌تواند رئیس‌جمهور را استیضاح کند. مجلس ملی – که هم‌اکنون ۹۰ درصد اعضای آن را مردان تشکیل می‌دهند- حداقل ۴۷ نماینده زن خواهد داشت. از طرف دیگر ۱۸ عضو یا به عبارتی ۲۷ درصد از مجلس سنا را نیز زنان تشکیل خواهند داد. مورد سوم اینکه با تشکیل ۴۷ حکومت استانی منتخب –که از دولت مرکزی درآمدهایشان را دریافت خواهند کرد – و همچنین تفویض اختیارات به حکومت‌های محلی می‌توان به از بین رفتن بی‌عدالتی‌های موجود درمیان ۴۲ گروه قومی در کنیا تا حدودی امیدوار بود. این تفویض اختیارات از منافع گروه‌های قومی کوچک‌تر صیانت خواهد کرد و در عین حال گروه‌های قومی بزرگ‌تر نیز در برابر اقدامات خود مسوولیت‌پذیر خواهند بود. از طرف دیگر با تقسیم عادلانه منابع ملی زمینه ایجاد تنش‌ها و درگیری‌های قومی از بین خواهد رفت. انتقال قدرت به حکومت‌های محلی همچنین تمرکز قدرت درمیان گروه‌های قومی بزرگ کنیا را به حمله کیکیو، کالنجین، کامبا، لوتو ولوها که در مجموع ۷۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند از بین خواهد برد. مورد چهارم اینکه در قانون اساسی جدید



لحاظ کنند. با توجه به وزن تقریباً مساوی دو حزب در جلب نظر افکار عمومی و کسب کرسی‌های پارلمانی، حساسیت نسبت به شراکت چند نماینده مستقل برای تشکیل دولت ائتلافی بسیار بالا خواهد بود و به همین دلیل سطوح رایزنی و چانه‌زنی نیز به همان نسبت واجد اهمیت است. چنین موقعیت ویژه‌ای هر دو حزب بزرگ را در لبه تیغ قرار داده و در عوض چند نماینده مستقل را در نقش تعیین‌کنندگی قرار خواهد داد. این شرایط خیلی از معادلات قبل از انتخابات و برنامه‌ریزی‌های حزبی برای سیاستگذاری در زمان کسب قدرت را به واسطه مصالحه برای کسب اکثریت پارلمانی دگرگون کرده و شمشر دموکلس سقوط دولت را همواره بالای سر نخست‌وزیر آینده اوبیزان نگه می‌دارد. تجربه انتخابات استرالیا که قبلاً در بریتانیا نیز اتفاق افتاده است نشان می‌دهد یک تغییر فراستنی در ساخت دموکراسی لیبرال متکی به انحصار دو حزب بزرگ در حال انجام است که از این پس نیروی سوم را نیز وارد معادلات قدرت می‌کند. قبل از بر کناری کوبین راد از نخست‌وزیری، نظرسنجی‌ها تقریباً حاکی از پیروزی حتمی حزب کارگر بود و حتی بعد از آن نیز با وجود افول محبوبیت این حزب تا روز آخر، نظرسنجی‌های عینی خارج از حوزه‌های رای‌گیری نشان می‌داد این حزب حدود دو درصد از رقیب خود پیش است. این سیر حرکتی که در پایان رای‌گیری منجر به نزدیکی و هم‌وزنی هر دو حزب رقیب شد، نشان می‌دهد محاسبات درونی حزب کارگر برای تغییر و تحول در رهبری حزب در آستانه انتخابات به شدت اشتباه بوده است. به نظر می‌رسد این حزب قبل از اینکه نتیجه را به حزب رقیب باخته باشد، به خود باخته است و این درس برای حزب کارگر به بهای سنگینی تمام شد. آنچه به یقین می‌توان گفت این است که چه گیلارد و چه ابوت نخست‌وزیر شوند با توجه به دولت ائتلافی و شکننده آتی، دستان بازی جهت ارائه یک سیاست منسجم و ایجاد تغییرات اساسی را قفل خواهند بود که به جهت حاکمیت کنونی حزب کارگر این می‌تواند برای آنان و سیاست‌های موجود یک حریم امن ایجاد کند.

□

جدید که موجب تفویض اختیارات بیشتر به حکومت‌های محلی می‌شود موجب از بین رفتن پایگاه قدرت آنها در استان ریفت ولی خواهد شد. رای‌دهندگان این استان تنها رای‌دهندگانی بودند که به پیش‌نویس قانون اساسی جدید رای منفی دادند. نتیجه پایانی این کشمکش‌ها این است که آنچه رحیم سیاسی موای و روتو نوشته خواهد شد و آنها به همراه دیگر کالنجینی‌ها به حاشیه رانده خواهند شد. اما پیامد به حاشیه‌رفتن روتو و موای می‌تواند موجب شکل‌گیری دور جدیدی از خشونت‌ها در انتخابات سال ۲۰۱۲ شود. سیاستمداران مطرح دیگری که از کاندیداهای بالقوه انتخابات سال ۲۰۱۲ محسوب می‌شوند استقلال چندان گرمی از قانون اساسی نگردند چراکه این قانون با حمایت اودیینگا روبه‌رو شده است. اوهرو کنیا تا وزیر دارایی و از قوم کیکیو در روزهای پیش از برگزاری رفراندوم هیچ اظهارنظری در این مورد نکرد. وی نیز همانند روتو به آغاز خشونت‌های پس از انتخابات سال ۲۰۰۷ متهم است. روتو و کنیا تا احتمالاً به خاطر دست داشتن در ایجاد بحران در کنیا با کیفرخواست دادگاه جرائم بین‌المللی روبه‌رو خواهند شد. این اتفاق می‌تواند حضور آنها در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری را به خطر بیندازد. کالونزو موسیوکا از رهبران مهم کامبا نیز تمایل چندانی به تصویب پیش‌نویس قانون اساسی نداشت. حمایت از پیش‌نویس پیشنهادی در استان زادگاه وی ۵۷درصد بود که پایین‌ترین رقم در میان هفت استانی است که به این پیش‌نویس رای مثبت دادند. نکته جالب توجه در این میان مخالفت کلیسا با قانون اساسی جدید است. این کلیسا به خاطر مخالفت‌های شدید خود با حکومت دیکتاتوری موای مورد احترام بسیار زیاد مردم کنیا قرار دارد. مقامات کلیسا نسبت به دو اصل مهم این پیش‌نویس اعتراض دارند: ممنوعیت سقط جنین و ادامه فعالیت دادگاه‌های مسلمانان. برخلاف قانون اساسی پیشین که در این هیچ ماده قانونی در مورد سقط جنین وجود نداشت، در قانون اساسی جدید به صراحت سقط جنین ممنوع شده است مگر اینکه با هدف نجات جان مادران صورت بگیرد. با این حال این اقدام باز هم نتوانست رضایت برخی از روحانیون در کنیا را به شدت با سسقط جنین مخالف کند و خود جلب کند. این روحانیون با حمایت از برخی گروه‌ها در ایالات متحده نسبت به این بخش قانون اساسی جدید مخالفت خود را ابراز کرده‌اند.دادگاه‌های شریعت تنها به تنظیم و تدوین قوانین در موضوعات مدنی از جمله ازدواج میان مسلمانان می‌پردازند. این روحانیون خصوص مسیحیان پروتستان به اشتباه ادعا کرده‌اند دادگاه‌ها قانون شریعت را به اجرا درخواهند آورد. به نظر می‌رسد این‌گونه اظهارنظرها کاملاً اشتباه و ناپسند است. این دادگاه‌ها بیش از یک قرن است که در کنیا بدون هیچ مشکلی به فعالیت پرداخته‌اند. در حقیقت عدم تداوم فعالیت این دادگاه‌ها موجب واکنش تند مسلمانان کنیا خواهد شد که از گذشته دور نسبت به حکومت نایرویی بدبین هستند. پیش از برگزاری رفراندوم، نقش ایالات متحده و جامعه جهانی موجب شکل‌گیری برخی اختلافات در کنیا شد. کمپین «تنه» درصدد اثبات این موضوع بود که نشان داد ایالات متحده در امور داخلی کنیا مداخله می‌کند. هرچند ایالات متحده تاثیرگذاری کمی در سیاست‌های کنیا دارد اما بسیاری از مردم کنیا از سیاست‌های ایالات متحده استقبال می‌کنند. برخلاف تلاش آمریکا قبل و بعد از برگزاری انتخابات سال ۲۰۰۷، وزارت خارجه و سازمان دخالت چندانی در برگزاری رفراندوم نداشتند. چالش پیش روی کنیا و دوستاش به خصوص ایالات متحده این است که نسبت به اجرای قانون اساسی جدید، اردتای دموکراسی، رشد اقتصادی و استمرار صلح و ثبات اطمینان خاطر یابند. زنان در

منبع: فارین افرز

گزارش

نامه سرگشاده زنان افغان به حامد کرزی

شماری از زنان افغان که با نام «کمپین ۵۰ درصد» فعالیت می‌کنند، در نامه سرگشاده‌ای به حامد کرزی رئیس‌جمهوری افغانستان از او خواسته‌اند، مانع رسمیت بخشیدن به قوانینی شود که مشروعیت قانون اساسی این کشور را زیر سوال می‌برد. این زنان ۱۰ سال گذشته در افغانستان را سال‌های پرامید برای زنان این کشور توصیف کرده و تصریح کرده‌اند در این سال‌ها زنان شاهد آزادی خود از بند اسارت، تعصب و بنیادگرایی بوده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، در بخشی از این نامه با اشاره به تحولات مثبت ۱۰ سال گذشته، آمده است: «این تحولات، آبروی از دست‌رفته افغانستان را در سطح بین‌المللی دوباره احیا کرد. اما دریغ که در سال‌های اخیر، این امیدها و دستاوردها دستخوش پاسبانانی عقبرگرد گردیده که فجایع انسانی چون ترور، سنگسار و تبعیض جنسیتی را به بار آورده است.» حجم بیشتر این نامه که با ستایش و ارج‌گذاری لاش‌های دولت و جامعه جهانی در نخستین سال‌های دهه جاری شروع شده، به نگرانی‌هایی اختصاص دارد که به باور این زنان اگر جدی گرفته نشوند همه دستاوردهای سال‌های اخیر را با خطر جدی مواجه خواهند کرد.

وحشت از خبر سنگسار دوزن

آنچه در این نامه به‌عنوان نگرانی جدی زنان و همه‌انسان‌های آگاه» از آن یاد شده موارد اخیر سنگسار است: «جناب رئیس‌جمهوری! وحشت شنیدن خبر سنگسار دوزن در ولايات باغیس و قندوز خواب راحت را از دشمنان تمامی زنان افغانستان و همه انسان‌های آگاه بوده چراکه این واقعیات یادآور و تکرار اعمال خشن و غیرانسانی بنیادگرایان سیاه‌اندیش بوده و خطرات تکان‌دهنده و تلخ اسارت حاکمیت آنها را در اذهان زنان افغانستان زنده کرده است.» این موارد سنگسار که در این نامه از آنها یاد شده توسط نهادهای دولتی افغانستان اجرا نشده‌اند، بلکه هر دو مورد در مناطق تحت کنترل طالبان و توسط آنها عملی شده است اما زنان افغان از رئیس‌جمهوری افغانستان به‌عنوان «پاسدار قانون اساسی» خواسته‌اند جلو چنین اتفاق‌هایی را بگیرد. در بخش دیگری از این نامه چنین آمده است: «در انتخابات دهه اخیر زنان بی‌شماری کیلومترها راه را با پای پیاده طی کردند تا خود را به صندوق‌های رای برسانند. زنان زیادی به خاطر فعالیت‌ها و مبارزات برابری‌خواهانه کشته شده‌اند. امروز شما و هیات حاکمه افغانستان موظفید به‌عنوان نمایندگان منتخب مردم، از حقوق آنها پاسداری کنید و نه‌تنها در راستای تامین امنیت، صلح و رفاه این مردم به منتهای درجه تلاش کنید بلکه باید در



مسود وقایعی که حاکمیت قانون و قوای سه‌گانه را زیر سوال می‌برد، نیز پاسخگو باشید.» در این نامه سرگشاده همچنین تصریح شده است: «زنان افغان بیشتر از همه، خواهران حاکمیت قانون هستند و به قوانین عادلانه‌ای که حقوق انسانی این‌ها ضمانت کند، ارج می‌گذارند، اما نمی‌خواهند «قوانین عرفی» در افغانستان رسمیت یابند که زنان نخستین قربانی اجرای چنین قوانینی هستند.»

تلاش برای تامین امنیت سراسری، جلوگیری از اعمال صلح و ضدبشری و جلوگیری از رسمیت یافتن قوانین عرفی از مهم‌ترین خواسته‌هایی است که در پایان این نامه از رئیس‌جمهوری افغانستان خواسته شده است. دولت افغانستان اخیراً تلاش می‌کند برای تامین امنیت و پایان بخشیدن به شورش‌ها با گروه‌های شورشی و مشخصاً طالبان مذاکره کند. زنان افغان در این نامه با حمایت ضمنی از چنین مذاکراتی از حامد کرزی خواسته‌اند، «حقوق انسانی زنان» را مبنای تفاهم و مذاکره با گروه‌های شورشی قرار دهد. گرفتاری و مجازات عاملان سنگسارهای اخیر و جلوگیری از قدرت گرفتن نهادهای سنتی موازی با نهادهای قانونی از دیگر خواسته‌های مطرح شده در این نامه است. نگرانی‌های مشابهی پیش از این نیز از سوی نهادهای حقوق بشر و نهادهای مدنی افغانستان مطرح بوده است. حامد کرزی اخیراً در گفت‌وگو با تلویزیون آن‌بی‌سی آمریکا گفته است، بر سر حقوق زنان با هیچ گروهی مذاکره نخواهد کرد. این زنان در زمان مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری نیز مطالبات مشخصی را مطرح کردند و از نامزدهای ریاست‌جمهوری خواستند در صورت برنده شدن به خواسته‌های آنان توجه کنند.

زنان افغانستان از دوران طالبان خاطرات تلخی دارند، در رژیم طالبان آنها از حق تحصیل، حق کار و حتی آزادی رفت و آمد و خرید بدون محرم مرد، محروم بودند. در سال‌های اخیر، زنان در بخش‌های مختلف فعالیت‌های اجتماعی حضور دارند.